

نوع مقاله: ترویجی

بررسی اجمالی سیر تاریخی ظهور و تأسیس دولت شیعی صفوی در ایران

mohamadbagher@cfu.ac.ir

راحله محمدباقر / استادیار گروه معارف اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده

بروز نهضت‌های شیعی در ایران به کوشش علمای بزرگ شیعه، سبب ترویج و گسترش تشیع شد که دستاورد آن در ابتدای قرن دهم هجری قمری شکل‌گیری دولت صفویه بود. این پژوهش با هدف فهم بهتر شرایط استقرار سیاسی حکومت شیعه صفویه، با محوریت نهضت‌ها و دولت‌های شیعی، سعی در فهم هم‌عصری تاریخ و درک کارآمدتر موضوع دارد و بر آن است که به روش تحقیق تاریخی و شیوه تحلیلی - توصیفی متکی بر منابع دست اول و تحقیقات موجود، به بررسی علل و رخداد‌های ظهور و تأسیس دولت شیعی صفوی در ایران به اجمال بپردازد. یافته اساسی تحقیق حاضر این مطلب است که نهضت‌ها و به دنبال آن تشکیل حکومت‌های شیعی سال‌های قبل، راه را برای بروز و ظهور این سلسله هموار کرده است. همچنین کوشش علمای شیعه مقارن با روی کار آمدن صفویان که با استناد به پیشینه تاریخ اسلام و اصول فقهی، وارد تشکیلات دولت صفویه شدند، بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: تشیع، صفویه، نهضت‌ها و دولت‌های شیعی، علما و فقها.

مقدمه

این سلسله دلایل متعددی دارد، که از مهم‌ترین آنها مباحث ایدئولوژیک و مذهبی است. صفویه ابتدا متمایل به تصوف توأم با تعصب بود. سپس با وجود علما و مهاجرت روحانیان بزرگ شیعه از جبل عامل (سرزمین‌های ساحلی و کوهستانی جنوب لبنان) به تشیع دوازده امامی روی آوردند. این مهم از دلایل موفقیت این سلسله در ایجاد جامعه متشکل ایرانی با به‌کارگیری ایدئولوژی تشیع بود، به طوری که شمار بسیاری از مردم ایران، این آیین حق را که نیاکانشان سال‌ها در راهش خون داده بودند، پذیرفتند.

درباره سوابق تحقیق باید اشاره شود که امروزه با وجود چاپ تعداد بی‌شماری از آثار و کتب تاریخی از این دوره، هنوز نسخه‌های خطی مهم بسیاری هستند که باقی مانده و مورد واکاوی و پژوهش قرار نگرفته‌اند. این مهم کوشش محققان را جهت احیا و تصحیح این اسناد می‌طلبد. در مطالعات خارجی عصر صفویه مهم‌ترین عامل گسترش تشیع در ایران کم و بیش، موضوع مهاجرت علمای جبل عامل به ایران است. آثاری همچون *خطط جبل عامل* (امین، ۱۴۰۳ق)؛ *الهجرة العالمية الى ايران في العصر الصفوي*، *اسبابها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية* (مهاجر، ۱۴۱۰ق)؛ *الجنود التاريخية للمقاومة الاسلاميه في جبل عامل* (کورانی، ۱۴۱۴ق)؛ *ايران عصر صفوي*، *نوزایی امپراتوری ایران* (نیومن، ۱۳۹۳). از مقالات پژوهشی در این حوزه می‌توان به «هجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران» (حورانی، ۱۳۶۵)؛ «یادداشت‌هایی بر مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عصر صفوی» (استوارت، ۱۹۹۶) اشاره کرد. در مطالعات داخل کشور نیز در سالیان اخیر، علی‌رغم کثرت و کمیت مطالعات انجام‌شده در حوزه تاریخ سیاسی و اقتصادی عصر صفویه، به تحولات دینی و ایدئولوژیکی این عصر کمتر پرداخته شده است. شاید بتوان دلیل اصلی بی‌توجهی محققان عصر صفویه را به این مقوله، عدم آشنایی با منابع فقهی و مباحث این حوزه و از همه مهم‌تر خطی بودن بخش اعظمی از آثار فقهی فقهای عصر صفویه قلمداد کرد. با این همه در سالیان اخیر شاهد نگرارش چندین اثر جدی در تاریخ تحولات دینی و مذهبی عصر صفویه از سوی محققان و پژوهشگران بوده‌ایم. آثاری همچون *مجموعه سه جلدی تحت عنوان صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست* (جعفریان، ۱۳۸۹)؛ *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفویه* (فرهانی منفرد، ۱۳۷۷). از مقالات نگاشته‌شده

دوران حاکمیت صفویه، بی‌تردید یکی از اعصار مهم تاریخ ایران دوره اسلامی است؛ چراکه با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع دوازده امامی در زمان *شاه اسماعیل اول صفوی* (۸۹۲-۹۳۰ق)، در واقع تلاش مستمر و بی‌وقفه شیعیان، علما و روحانیون آنها (در شکل و قالب‌های گوناگون، متناسب با هر زمان و دوره‌ای جهت احقاق حق شیعه) پس از نه قرن به ثمر نشست و کشور وحدت خود را با رسمیت بخشیدن مذهب تشیع و بر پایه حکومت مرکزی مستقل باز یافت. جد اعلائی این سلسله *شیخ صفی‌الدین اردبیلی* (۳۵۶-۳۸۵ق) است که به نام وی، سلسله را صفویه نام‌گذاری کردند. به گفته *راجر سیوری*، انگیزه *شاه اسماعیل* در این مورد، هم رنگ مذهبی داشت و هم از مصلحت‌بینی سیاسی سرچشمه می‌گرفت. این مصلحت‌بینی خود متأثر از دو عامل بود؛ یکی علاقه به جدا کردن ایران از همسایگان قدرتمند و سنی‌مذهب ترکان عثمانی و ازبکان؛ و عامل دیگر بهره‌گیری از یک ایدئولوژی پویا و نیرومند برای همسو ساختن و بسیج کردن مردم ایران در برابر دشمنان (سیوری، ۱۳۷۴، ص ۲۷۸). در پاسخ به این موضوع مطروحه باید اذعان کرد که چنانچه شاهان صفوی برای تثبیت حکومتشان، اقدام به رسمی کردن و گسترش مذهب تشیع کردند؛ چرا پس از آنکه از شدت حملات سپاه مخوف ینی‌چری، در حمله به ایران کاسته شد، و روابط صفویان و عثمانیان رو به بهبود می‌رفت؛ دست از گسترش و حمایت تشیع برنداشتند؟ آنها برعکس در جهت تقویت و ترویج اعتقادات شیعی گام برداشتند و این مهم گویای آن است که اعتقاد آنان به تشیع صرفاً مرتبط با مصالح سیاسی نبوده و تشیع آنها از روی عقیده بوده است. گرچه همان‌گونه که تشیع را حمایت و مذهب رسمی اعلام کردند، از آن در تحکیم حکومت خود نیز بهره گرفتند. به هر حال از قرن دهم هجری به بعد، در ایران اتفاقاتی به منصفه ظهور رسید که از هر جهت ساختار کشور را دگرگون ساخت. جامعه ایران در دوران صفویه از لحاظ ساختار سیاسی نسبت به گذشته متحول شد. پس از انقراض سلسله ساسانیان و آغاز تاریخ ایران بعد از اسلام، وحدت سیاسی و مرکزیت ایران از دست رفت و در گوشه و کنار، حکومت‌هایی در قالب منطقی‌های (ملوک‌الطوایفی) با اختیارات محدود، شکل گرفتند. این روند تا بر سر کار آمدن صفویان ادامه داشت. ظهور، گسترش و دوام

اغلب فقهای شیعه، ضمن تبعیت از اصول بنیادین شیعه دوازده امامی در خصوص امامت و رهبری جامعه، در شرایطی که جامعه شیعه از سویی در اقلیت است و از سوی دیگر در عصر غیبت، حکام غیرعادل فرمانروایی می‌کنند، همکاری و پذیرش مسئولیت از سوی سلاطین و تطبیق با شرایط موجود را به خاطر حفظ جان اقلیت شیعه مجاز اعلام می‌کنند. این در حالی است که با استقرار حکومت صفویه و پادشاهان شیعی آن، دست علما جهت مشارکت و همکاری با تشکیلات اداری دولت صفوی بازتر از قبل شد.

۱. نهضت‌ها و دولت‌های شیعی پیش در آمد ظهور صفویه

شیعه، پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) (۱۱ق)، و از ابتدای جریان سقیفه (واقعه سقیفه بنی‌ساعده، نخستین واقعه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در سال ۱۱ق بود که در آن ابوبکر بن ابی‌قحافه به‌عنوان خلیفه مسلمانان انتخاب شد) حکومت‌های خلفا (جز خلافت امام علی (ع) و اولاد ایشان) را غاصب می‌دانست و خود دارای بینش سیاسی و حکومتی بود. ائمه اطهار (ع) به‌ویژه در دوران امام محمدباقر (ع) (۵۷-۱۱۴ق) و امام صادق (ع) (۸۳-۱۴۸ق)، شالوده تعلیم و تربیت اسلام اصیل را توسعه و تحکیم بخشیدند؛ چنانچه مبانی حکومت و تمدن اسلامی در دانش کلام و فقه تبیین شد. به‌تبع از ائمه (ع) روحانیت نیز در نقش نمایندگان امامان جهت تعلیم و تربیت مردم، به سفر در سرزمین‌های دور و نزدیک ممالک اسلامی می‌پرداختند. مردم ایران نیز به قصد شناخت اسلام با سفر به سرزمین وحی، پاسخ سؤالاتشان را از اهل بیت (ع) می‌گرفتند و بازمی‌گشتند. بدین‌سان ایران، پذیرای بیشترین نمایندگان امامان و پیشگام تشیع شد (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۵۳۰-۵۴۶). از زمان غیبت امام دوازدهم (ع) در نیمه قرن سوم و آغاز قرن چهارم، نهاد رسمی روحانیت شیعه با گسترش علوم قرآنی، فقه، کلام و حدیث شکل گرفت. در این دوره دیگر امامان شیعه در دسترس مردم نبودند. بنابراین جهت حفظ اندیشه‌های شیعی، که عموماً توسط امام محمدباقر (ع) و امام صادق (ع) تدوین شده بود، علمای شیعه با تشکیل حوزه‌های علمیه، رهبری مؤمنان را در زمان غیبت عهده‌دار شدند. نخستین حوزه‌های علمیه در شهرهای مقدس شیعیان؛ کربلا و نجف تأسیس شدند. حوزه کربلا در اواخر قرن سوم (شهیدی صالحی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱-۱۶۲) و

در این خصوص نیز می‌توان به، «مدرسه فلسفی قزوین در عصر صفوی» (صالحی شهیدی، ۱۳۷۲)؛ «کندوکاوی در مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی (معرفی کتاب الهجرة العالمیه، جعفر المهاجر)» (صالحی، ۱۳۷۴)؛ «فعالیت سیاسی شیعیان اثنی و عشری در ایران از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه» (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴)؛ «اهمیت تاریخ صفویه و ویژگی‌های آن» (میرجعفری، ۱۳۷۳) اشاره کرد.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی، نخست با بهره‌گیری از گزارش‌های منابع تاریخی سعی در فهم پیشینه رویدادهای خیزش تشیع و به‌تبع آن شکل‌گیری نهضت و تأسیس دولت صفویه در گستره مورد مطالعه را دارد و سپس با توجه به اهمیت فهم هم‌عصری در تاریخ و درک کارآمدتر موضوع در راستای فهم بهتر شرایط استقرار سیاسی این حکومت با محوریت نهضت‌ها و دولت‌های شیعی به نقش روحانیون و علمای شیعه می‌پردازد. بنابراین سعی شده به پرسش‌های ذیل پاسخ مناسب داده شود:

سؤال اصلی: عوامل رسیدن صفویان به قدرت و حوادث و رخدادهایی که منجر به تأسیس حکومت شیعی آنان شد، کدامند؟

سؤال فرعی: توجیه فقهی مشارکت و همکاری علمای شیعه با دربار و تشکیلات حکومت صفوی چه بوده است؟

در پاسخ، این فرضیه طرح می‌گردد: نهضت‌ها و به دنبال آن تشکیل حکومت‌های شیعی سال‌ها قبل از روی کار آمدن دولت صفویه راه را برای بروز و ظهور این سلسله شیعی هموار کردند. حکومت صفویه پس از رسمیت بخشیدن به تشیع، مهاجرت و حضور علمای بزرگ شیعه و ترویج و گسترش جایگاه رهبری دینی عالمان در ساختار سیاسی، در مواجهه با حفظ حدود و موقعیت نهاد سیاسی در برابر نهاد دینی قرار گرفت. بنابراین پادشاهان صفوی در این شرایط چاره را در این یافتند که هرچه بیشتر بر شأن دینی خود تأکید کنند؛ تا بلکه از این طریق، مسئله پنهان تعارض رهبری سیاسی با رهبری دینی عالمان را به نفع خود مرتفع سازند. لیکن با بررسی عمیق درباره نقش و جایگاه علما و روحانیون شیعه در این دوره، درمی‌یابیم که در واقع آنان، سیاست‌گذاران حکومت صفویه بودند؛ چراکه اگر نفوذ و ژرف‌اندیشی دینی و علمی علمای شیعه نبود، ایران به‌طور گسترده متمایل به تشیع نمی‌شد و تشیع مذهب رسمی ایران نمی‌گردید. همچنین از آغاز عصر غیبت تا روی کار آمدن صفویه،

کردند (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۵-۲۵۶). بنابراین اگر صفویه روی کار نمی‌آمد، باز هم از طریق دیگری حرکت شیعه به سمت تشکیل حکومت نتیجه می‌داد و حکومتی شیعی در ایران همانند آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق)، علویان طبرستان (۲۵۰ق) و سربداران (۷۳۶-۷۸۸ق) شکل می‌گرفت. این پیروزی‌ها برای شیعه فرصت مناسبی بود تا آیین و شرایع خود یعنی مراسم عزاداری حسینی همراه با تعزیه‌خوانی و روز عید غدیر خم را در بغداد مرکز خلافت، تبلیغ و برگزار کنند و به معارف تشیع جان دوباره بخشند. به گفته مورخان، روز عاشورا از سوی حکام آل بویه تعطیل عمومی اعلام شد (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۲۷۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۵۰). پس از زوال آل بویه، نوبت به سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ق) سنی‌مذهب رسید. این بار تا حدی اوضاع به نفع دستگاه خلافت و خلفای سنی‌مذهب تغییر یافت. این روند ادامه داشت، تا آنکه با حمله مغولان، بساط حکمرانی سلاطین ترک خوارزمشاهی (۴۹۱-۶۱۶ق) در ایران، و خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) برای همیشه در بغداد برچیده شد. قرن هفتم هجری مقارن با برچیده شدن بساط دستگاه خلافت سنی‌مذهب عباسی و سرآغاز حکمرانی مغولان در ایران بود که به دلایلی اسباب نفوذ و پیشرفت تشیع دوازده امامی مهیا شد. در نتیجه این هجوم به نقل از زرین کوب؛ «بلاد مشرق اسلام که در آن زمان از معمورترین نقاط عالم محسوب می‌شد، چنان عرصه قتل و غارت و انهدام گشت که تا مدتی، همه آثار تمدن و عمران از این نقاط زایل گشت و جز فقر، مرگ، خوف و وحشت چیزی به جای نماند» (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۳۴۶). به واسطه خشونت و خون‌ریزی بی‌رحمانه مغولان و کشتار نفوس و شرایط حاصل از ویرانگری پس از جنگ، نوعی سرخوردگی و یأس توأم با گوشه‌گیری و عزلت در جامعه شکل گرفت که مردم را راهی خانقاه‌ها و پیروی از طریقت‌های صوفیانه کرد. در این بین پس از مدتی سلسله‌های تصوف که معتقد به تشیع و نشر و تبلیغ مذهب شیعه دوازده امامی بودند، به منصفه ظهور رسیدند. این سلسله‌ها همچون سلسله‌های نعمت‌اللهی (پیشوای این سلسله سیلنورالدین شاه نعمت‌الله ولی (۷۳۱-۸۲۷ق)، از صوفیان شیعه اثنا عشری و از اقطاب و عرفای مشهور قرن هشتم و نهم است) (تمیم‌داری، ۱۳۷۲، ص ۶۴-۶۷)، نوربخشیان (پیشوای این سلسله سیدمحمد نوربخش قاینی خراسانی (۷۹۵-۸۶۹ق)، از صوفیان شیعه اثنا عشری در قرن هشتم که نسبش با هفده واسطه به امام موسی

حوزه نجف توسط شیخ جعفر طوسی در قرن چهارم (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۰، ص ۱۰) با همین هدف شکل گرفت. از سوی دیگر نیز شیعیان پس از مبارزات طولانی و پی‌گیر در طی قرون متمادی، موفق به ایجاد و تشکیل حاکمیت‌های سیاسی شدند. پس از واقعه عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام (۶۱ق)، شاهد شکل‌گیری نهضت‌های شیعی ضد دستگاه خلافت اموی و عباسی هستیم. به طوری که قیام‌های علویان سبب شکل‌گیری دولت‌های شیعی مستقل و نیمه‌مستقل در سرزمین‌های خلافت شرقی، همچون ادرسیان (۱۷۲-۳۷۲ق)، حمدانیان (۲۹۲-۳۹۳ق)، فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق)، بریدیان (۳۱۶-۳۳۸ق)، آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق)، حسنویه (۳۴۸-۴۰۵ق)، کاکوتیان (۳۹۸-۵۳۶ق)، علویان طبرستان (۲۵۰ق) و علویان یمن (۲۸۰-۴۴۴ق)، سربداران (۷۳۶-۷۸۸ق)، مرعشیان مازندران (۷۶۰-۷۹۵ق)، کئیانیان گیلان (۷۶۹-۱۰۰۰ق) و مشعشعیان خوزستان (۸۴۵-۹۱۴ق) ظاهر شوند. لیکن حکومت‌های شیعی تشکیل شده در محدوده سرزمین‌های ایران، به استثنای حکومت آل بویه در قرن چهارم، همگی در قالب منطقه‌ای و با اختیارات محدود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اداره می‌شدند؛ تا نوبت به روی کار آمدن سلسله صفویه (۹۰۷ق) در ایران رسید. بنابراین رواج تشیع و ایجاد آن در ایران، به مدت‌ها قبل از روی کار آمدن صفویان بازمی‌گردد. تشیع قرن‌ها قبل از صفویه در ایران نفوذ کرده بود و چندین حکومت قوی در ایران، با صبغه شیعی روی کار آمدند. در این بین از همه مهم‌تر آل بویه بود. این زمان شیعیان امامیه همچون کلینی (۲۵۸-۳۲۹ق) در عراق و ایران فعالیت خود را آغاز کرده بودند. قدرت آل بویه تا جایی گسترش داشت که حتی بر جان و مال خلیفه عباسی بغداد نیز مسلط شدند (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۲۸ و ۳۷). احمد معزالدوله بویه‌ای (۳۰۳-۳۵۶ق) یکی از علمای بزرگ علوی را فراخواند و پیشنهاد قبول خلافت را به او داد. گرچه وی نپذیرفت و بزرگان دولت نیز، معزالدوله را به جهت جلوگیری از خون‌ریزی و جنگ‌های احتمالی برحذر داشتند (بیرونی، ۱۳۵۵، ص ۲۲-۴). در این بین تعدی و ظلم دستگاه خلافت عباسی نسبت به شیعیان، منجر به قیام سادات علوی در گیلان و طبرستان شد و قدرت آل بویه به استثنای مناطق شرقی در این سرزمین، حتی تا بغداد وسعت یافت؛ تا جایی که عملاً قدرت خلافت از دست خلفا خارج و امرای بویه‌ای بر خلفا حکم راندند و آنان را عزل و نصب

میان شیعیان پیروان زیادی یافت. دولت سربداران در قرن هشتم هجری، به‌عنوان نخستین دولت مستقل شیعه دوازده امامی در ایران شکل گرفت. اهمیت سربداران به دلیل گسترش عقاید تشیع دوازده امامی در ایران حائز اهمیت است. در این دوره، تشیع به خارج از مرزهای خراسان یعنی سمرقند، کرمان و سایر شهرهای ایران نفوذ کرد. حتی نهضت‌های شیعی سادات مرعشی در مازندران و سادات کیایی در گیلان نیز متأثر از جنبش شیعی سربداران بود و در نهایت حکومت شیعی سربداران در خراسان زمینه را برای روی کار آمدن سلسله صفویه و تأسیس حکومت شیعه مذهب دوازده امامی در سراسر ایران مساعد کرد (جعفری و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۵۴).

رشد تصوف در ایران با ظهور تیموریان (۷۷۱-۹۱۶ق) در قرن نهم هجری، افزایش چشم‌گیری داشت. در واقع از اواخر قرن هشتم هجری تصوف جهان اسلام را فراگرفته بود. تیمورگورکانی (۷۷۱-۸۰۷ق) مؤسس سلسله تیموریان دریافت که سلسله‌های صوفیه، صاحب اختیار و قدرت قابل توجهی در آن ایام شده‌اند؛ بنابراین با آنان پیوندهای شخصی برقرار کرد (ابن عربشاه، ۲۰۰۷، ص ۹۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۹۷) و در جلب نظر آنها کوشید. به‌طوری که شاهزادگان تیموری به رؤسای طریقت صفوی ادای احترام می‌کردند (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۰۷). امیر تیمور تحت تأثیر تشیع بود و از این جهت برای خواجه علی (م ۸۳۰ق) نوه شیخ صفی‌الدین اردبیلی احترام زیادی قایل بود. برخی مورخان، تیمور را شیعه مذهب قلمداد کرده‌اند (ابن عربشاه، ۲۰۰۷، ص ۹۷). گرچه در این خصوص نمی‌توان با قاطعیت نظر داد؛ لیکن با بررسی آثار می‌توان نتیجه گرفت که تیمور به علویان توجه خاصی داشته و در برآوردن حوائجشان اهتمام ورزیده است. به‌طور کلی پادشاهان تیموری با داشتن اعتقاد و در نظر گرفتن احترام نسبت به دوازده امام شیعیان، نقشی بسزایی در گسترش تصوف در ایران داشتند (ابن عربشاه، ۲۰۰۷، ص ۹۷). بنابراین تسنن دوازده امامی (قرن چهارم هجری، افرادی پدیدار شدند که به سنی‌های دوازده امامی مشهور بودند. این گروه در عین حال که دوازده امام شیعه را قبول داشتند، به خلفای غاصب نیز بی‌علاقه نبودند. براساس آنچه در فتوح المجاهدین، ص ۵۶ نسخه ۳۱۱۶ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی آمده، تعبیر سنیان دوازده امامی را نخستین بار ملامحمد طاهر قمی (م ۱۰۹۸ق)، از علما و فقیهان قرن دهم و یازدهم هجری در دوران

کاظم[ؑ] می‌رسد. در سال ۷۹۵ق در قاین (خراسان) متولد گردید و در سال ۸۶۹ق وفات یافت) (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۷؛ تمیم داری، ۱۳۷۲، ص ۶۷-۶۸)، ذهبیان (سند فرقه ولایت آنها توسط معروف کرخی اولین قطب سلسله ذهبیه (حدود ۱۵۵-۲۰۰ق) به امام رضا[ؑ] می‌رسد. اغلب سلسله‌های تصوف شیعه به او می‌پیوندند. از معروف‌ترین اقطاب ذهبیه که به نام او یعنی ذهبیه کبرویه مشهور گشته‌اند، شیخ نجم‌الدین کبری (م ۶۱۸ق) است) (تمیم‌داری، ۱۳۷۲، ص ۷۹ و ۸۱-۸۲) رابطه نزدیکی با خاندان شیعه اثنا عشری صفویه داشتند. بنابراین خیزش مجدد شیعه به سمت حکومت در دوران ایلخانان مغول (۶۱۴-۷۳۶ق) آغاز شد. تشیع سلطان محمد خدابنده (الجاتیو) (۶۸۰-۷۱۶ق) تحت تعالیم عالم شیعی، علامه حلی به وقوع پیوست. وی فرمان داد خطبه و سکه به نام ائمه دوازده‌گانه خوانده و زده شود (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۵، ص ۴۲۷؛ مدرس تبریزی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵). از سویی در این دوره فقهای نامدار شیعی همچون خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق)، علامه ابن‌مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ق)، ابن مکی شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ق)، علامه سیدحیدر آملی (زنده تا ۷۸۷ق)، علامه ابن‌فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق) و سایر فقها، سبب غنای فقه تشیع اثنا عشری شدند و از سوی دیگر، با حرکت سیاسی و نظامی سربداران به رهبری علمای شیعه، راه را برای روی کار آمدن صفویان هموار ساختند (برای اطلاع بیشتر، رک. تنکابنی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۲-۲۵۶؛ مامقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۲-۹۳). همچنین فعالیت‌های مذهبی - سیاسی فقهای نامدار شیعی تا قبل از تأسیس حکومت صفویه، سبب روی کار آمدن حکومت‌هایی با صبغه شیعی همچون چوپانیان (۷۳۸-۷۵۸ق)، آل جلایر (۷۳۸-۸۳۶ق) و قراقویونلوها (۷۸۰-۸۷۴ق) گردید (امین، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۷۰-۲۷۲). در نظر مسلمانان آغاز قرن هفتم، به‌ویژه در ممالک اسلامی همراه با تغییر و تحولات مهمی بود. در این زمان شاهد ارتباط تنگاتنگ تصوف و تشیع با یکدیگر هستیم. تصوفی که تمایل به باطن و باطن‌گرایی و کسب معرفت با اسرار و معارف باطنی داشت، این زمان از طریق تعالیم ائمه[ؑ] و اعتقاد به ولایت، حکمت شیعی را هرچه بیشتر به تصوف به معنای عام کلمه پیوند داد. به‌طوری که بسیاری از سلسله‌های صوفیه نسبشان را به یکی از ائمه[ؑ] منسوب می‌کردند و از این طریق فرقه‌های گوناگون آنها در

صفویه درباره سران متشیع صوفیه به کار برده است) و سلسله‌های تصوف شیعه اثناعشری در ایران قرن هشتم و نهم هجری هم‌زمان با شکل‌گیری نهضت‌ها و دولت‌های شیعی که منتهی به تأسیس حکومت صفویه در ایران شد، ظهور و بروز یافتند.

۱-۱. نهضت صفویه

در تاریخ، نهضت‌های شیعی با نام‌های مختلف، مانند: امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، صوفیه و... که طرفدار سرسخت و مدافع حق اهل‌بیت^ع و علیه خلفا و حکام ستم‌پیشه اهل سنت بودند، بسیار است. در قرون هفتم و هشتم هجری، بواسطه ارتباط و پیوند میان تشیع و عرفان، شاهد شکل‌گیری تحولات فکری سلسله‌های تصوف شیعی، به‌ویژه سلسله شیعی صفوی هستیم. علما و فقهای بزرگ شیعه همچون *میثم بحرانی* (۷۹۹ق)، *سیدحیدر آملی* (۷۹۴ق)، *احمدبن فهد حلّی* (۸۴۱ق) و *ابن‌ابی‌جمهور احسائی* (۹۰۱ق)، رابطه بین تشیع و عرفان را اثبات کردند. به دلیل فشار و اختناق سیاسی آن دوره و به سبب آنکه بخش اعظم ایران تا زمان صفویه سنی‌مذهب بودند، سلسله‌های تصوف در ایران، قبل از دولت صفوی به ابراز آشکار اعتقادات خود درباره ولایت اهل‌بیت^ع نمی‌پرداختند و تقیه می‌کردند. این در حالی است که سلاطین سنی‌مذهب آن زمان (تیمور و شاهزادگان تیموری) علاقه و تمایل به دوازده امام شیعه را کتمان نکرده و جریان تسنن دوازده امامی در ایران رایج شده بود؛ به‌طوری‌که نفوذ شخصیت امام اول شیعیان، امام علی^ع در بین اهل تسنن آن زمان، افزایش یافت و صوفیان پیرامون شخصیت ایشان به‌عنوان ولی امر به بحث می‌پرداختند (شیبی، ۱۳۸۷، ص ۹۶-۹۷).

سلسله صفویه در دوران *شیخ صفی‌الدین اردبیلی* (۳۳۵-۶۵۰ق) و سه نفر از جانشینان بلافصل او، از اعتبار و احترام زیادی نزد مراجع قدرت برخوردار بود. در دوران *شیخ صفی‌الدین اردبیلی* که به نقل از منابع از ذریه امام موسی کاظم^ع (۱۲۷-۱۸۳ق) بود (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳، ص ۱۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۲)، این سلسله قدرتی بهم زد و شبکه‌ای از نمایندگان در سراسر ایران، آسیای صغیر و حتی هندوستان پراکنده بودند. این جنبش در آناتولی و سایر مناطق در زمان *شیخ صدرالدین* (۷۰۴-۷۹۳ق) فرزند *شیخ صفی‌الدین*، پیروان زیادی یافت (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳-۴۴). جانشینش، *خواجه علی* (۸۳۰ق)، با تأسیس شاخه فدائیان تشیع نسبت به مذهب

شیعه تعصب خاصی نشان داد. تیمور گورکانی که از مریدان وی بود دستور آزادی اسرای قبائل ترکمان را صادر کرد و *خواجه علی* هم قشون قزلباشان را از آنها به وجود آورد (منشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۶). تحت تأثیر افکار علما و فقهای شیعه، نهضت صفویه در دوران *خواجه علی* تبدیل به سازمان سیاسی - نظامی شد و تشکیل یک حکومت شیعی در ایران به‌عنوان هدف و ایدئولوژی راهبردی مد نظر این سلسله قرار گرفت (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۵). در زمان *سلطان جنید* (۸۶۰ق) و *سلطان حیدر* (۸۹۳ق)، سلسله صفوی به نهضتی قدرتمند با صبغه مذهبی - سیاسی بدل شد. به‌طوری‌که علیه مسیحیان ناحیه طرابوزان و گرجیان و چرکس‌ها جهاد کردند (مزاولی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳). درخواست پوشیدن لباس متحدالشکل برای مریدان راه نخستین بار *سلطان حیدر* در آستانه کشته شدنش داد. این لباس همراه با کلاهی دوازده ترک و سرخ‌رنگ بود که بر سر می‌نهادند و تحت عنوان تاج حیدری یا تاج قزلباش می‌نامیدند.

بنابراین در قرن نهم رواج تشیع و سلسله‌های صوفی شیعه‌مذهب در ایران فزونی یافت (ر.ک: امین، ۱۴۰۳ق، ج ۷). قدیمی‌ترین آنها در این زمان، سلسله صوفیه صفویه و پیروان *شیخ صفی‌الدین اردبیلی* بود که به تدریج در آذربایجان و نواحی اطراف قدرت گرفتند و در سراسر قرن نهم به واسطه پیوند ازدواج با ترکمانان آق‌قویونلو (۸۸۰-۹۰۸ق) و با توجه به عوامل مساعد دیگر در حال توسعه قدرت بودند تا در آغاز قرن دهم موفق به تشکیل حکومت شیعه‌مذهب دوازده امامی در ایران شدند (صفا، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۷۷؛ جعفری و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۶۵). بدین‌سان در تاریخ ایران پس از اسلام، دوباره کشور یکپارچگی سیاسی خود را به دست آورد و به کشوری قدرتمند و مستقل در شرق جهان اسلام بدل شد. سلسله صفویه برای تأسیس حکومت شیعی از نیروی تصوف بهره گرفت. لیکن پس از تشکیل حکومت (۹۰۷ق) به دست *شاه اسماعیل اول* (۸۹۲-۹۳۰ق)، تصوف در ایران، در تشیع ذوب شد. تشخیص تشیع و تصوف در این دوران بسی دشوار است. به قول هانری کربن تصوف اصیل و راستین چیزی بجز تشیع نتواند بود (کربن، ۱۳۳۷، ج ۵، ص ۴۶-۵۱). در طول زمان حضور علمای اصیل شیعی در تحول از تصوف به تشیع تأثیر زیادی داشت، بطوریکه تشیع را بدون آمیختگی با تصوف تبلیغ و ترویج می‌کردند. در تشکیلات دولت صفویه، دعوت شاهان صفوی از علمای جبل عامل

اهل تسنن مخالفت‌های جدی داشتند؛ اما مخالفت عامه مردم از محافل خصوصی و خانوادگی، آن هم از سخنان اعتراض‌گونه فراتر نمی‌رفته است (ر.ک: واله اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳-۲۰۰؛ منتظر صاحب، ۱۳۴۹، ص ۳۹۸-۳۹۹).

در اینجا این نکته را یادآور می‌شویم که گرچه شاه اسماعیل در ابتدا مجبور به استفاده از قوه قهریه شد؛ لیکن برای ایجاد مذهبی پایدار و فراگیر به کار فرهنگی مستمر نیاز بود که این مهم از طریق علما و فقهای شیعه میسر گردید. فتح قلوب و تغییر عقاید به سادگی فتح بلاد و تغییر حکومت‌ها نیست. بنابراین سطحی‌انگاری است که تصور کنیم مذهب شیعه به باور برخی از محققان با زور شمشیر در ایران رسمی شد (زرین‌کوب، ۱۳۶۶، ص ۲۲۴). مسئله مهم این است که رسمی شدن مذهب تشیع مقارن با آغاز سلطنت شاه اسماعیل اول و کشورگشایی‌های او به صورت هم‌زمان، صورت گرفت. بنابراین عمده سرکوب‌ها و کشتارهای شاه اسماعیل ناشی از کشورگشایی اوست؛ و این موضوع در تاریخ ایران هنگام ظهور سلسله‌ای و انقراض سلسله‌ای دیگر، امری معمول و متداول بوده است. نکته دیگر آنکه مردم عادی که انگیزه‌ای برای حمایت از حکام و توانایی دفاع از شهرها را نداشتند، مورد خشونت قرار نمی‌گرفتند (ر.ک: منشی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳-۱۲۴)؛ خشونت‌ها عمدتاً شامل مدافعان شهرها و حامیان حکام می‌شد.

۲. بررسی مسئله فقهی مشارکت و همکاری علمای شیعه با حکومت

در طول دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق)، بیشتر فعالیت علما به سبب تشکیک درباره چرایی و چگونگی غیبت امام زمان (عج)، صرف اثبات امامت و غیبت ایشان گردید و نظریه امامت ذیل مسائل کلامی شیعه قرار گرفت. بنابراین سال‌های اولیه دوران غیبت در بی‌توجهی به امر تشکیل حکومت دینی سپری شد (الگار، ۱۳۵۶، ص ۲۱). البته این موضوع نیز حائز اهمیت است که در تویعاتی که از سوی امام دوازدهم علیه السلام خطاب به نواب اربعه و پیروانشان در عصر غیبت صغرا صادر شد، هیچ اشاره‌ای در تبیین نظر امام درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دوره و یا انجام اقدامات سیاسی آشکار علیه خلفای عباسی قید نشده است (حسین، ۱۳۶۷، ص ۱۴۰).

از سوی دیگر توسط دولت‌های وقت، نهاد روحانیت اهل سنت به

و قدرت‌گیری آنها در جامعه و نفوذشان بر اذهان فکری و اعتقادی مردم سبب شد تا تصوف در قشر محدودی باقی بماند و در خانقاه و دیرها محدود گردد (ر.ک: شیعی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۵؛ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۴۱). در طول بیش از دو و نیم قرن فاصله از زمان تشیح صفی‌الدین اردبیلی تا شاه اسماعیل اول، به دلیل عدم مرکزیت سیاسی به تدریج اغتشاش، بی‌نظمی و ناامنی فراگیر شد. تا وقتی که شاه اسماعیل و صفویان قدرت عمل و ابتکار را به دست گرفتند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عوامل در رسیدن شاه اسماعیل به قدرت از این قرار است؛ یکی بروز نهضت‌های شیعی در ایران، بخصوص سرداران در خراسان و خاندان کیا در گیلان (به رهبری سادات)، که شاه اسماعیل از کودکی تحت تعالیم این خاندان بود و حرکت تهاجمی خود را نیز از آنجا آغاز کرد. دیگری حکومت‌های ایلی منطقه‌ای (به این دسته از حکومت‌ها، حکومت‌های ملوک‌الطوافتی یا خان خانی نیز گفته می‌شود) که منجر به تجزیه و ناامنی ایران و ظلم و ستم بر مردم شده بودند (جعفری و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۵۴). همچنین اندکی پس از شکل‌گیری حکومت صفویه در سال ۹۰۷ق، حملات و دست‌اندازی‌های مکرر دولت‌های سنی مذهب عثمانی و ازبکان از غرب و شرق ایران، علیه دولت شیعی صفوی آغاز شد. در چنین شرایطی مردم و علما برای حفظ تشیح، خود را ملزم به دفاع از دولت شیعی صفوی می‌دیدند و ایستادگی دولت را در برابر توسعه‌طلبی عثمانی و ازبکان از مهم‌ترین دلایل توجیه مشروعیت و حمایت خویش از دولت صفویه می‌دانستند. عامل دیگر را می‌توان ادعای انتساب صفویان به خاندان سیادت دانست، که توانستند قدرت خویش را در بین عامه مردم گسترش داده و عده زیادی را به خود جذب کنند (قاضی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴). بنابراین در بررسی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی این دوران درمی‌یابیم مردم ایران آمادگی پذیرش و استقرار حکومتی با مرکزیت قوی و استقلال سیاسی را داشتند. لذا وقتی شاه اسماعیل قدرت را به دست گرفت، مردم از وی حمایت کردند. موفقیت شاه اسماعیل مرهون دو عامل بود؛ یکی اعمال قوه قهریه و سرکوب مخالفان در تبریز، بغداد، خراسان، خوزستان و دیگر بلاد فتح شده (روملو، ۱۳۵۷، ص ۸۶؛ شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۴۰-۴۱؛ باربارو و دیگران، ۱۳۴۹، ص ۳۱۰) و دیگری سکوت از روی اجبار اهل سنت برای حفظ جان‌شان. البته علما و ائمه جمعه و جماعت

شکل رسمی و معمول تأسیس و از جانب دولتمردان رصد و حمایت می‌شد، در صورتی که علمای شیعه از نفوذ و قدرت‌یابی بیشتری برخوردار بودند (ر.ک: عبدالرزاق، ۱۳۸۰، ص ۷۱؛ عنایت، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶). در خصوص مشارکت و تعامل با دولت‌های وقت از دیدگاه شیعه، گرچه گرایش‌های متفاوتی در این زمینه مطرح بود (الگار، ۱۳۵۶، ص ۱۹). لیکن نتیجه این گرایش‌ها تا آن زمان متفاوت بود؛ اما یک عامل مشترک داشت و آن به رسمیت نشناختن حکومت‌های وقت و ملحوظ داشتن حق مخالفت و عدم همکاری با آنها بود. به هر حال، با انحلال سازمان وکالت، دوران غیبت کبری آغاز شد و علمایی همچون شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق)، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ابن‌ادریس (۵۹۸-۵۴۳ق)، ابن‌براج (۴۸۱ق)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق)، محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق)، شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ق) و فاضل مقداد (۸۲۶ق) تا روی کار آمدن دولت صفوی، رهبری دینی جامعه شیعه دوازده امامی را عهده‌دار شدند. این فقها در موضوعات مختلفی همچون خمس، زکات، قضا و حدود برای جامعه شیعه فتوا صادر می‌کردند. پس از درگذشت ابوالحسن علی‌بن محمد سمری که از سال ۳۲۶ تا ۳۲۹ق نایب چهارم امام بود، با توجه به خلأ به‌وجودآمده در رهبری جامعه شیعه و مسئولیت فقهای آن در ساماندهی امور شرعی و جاریه، بحث رهبری جامعه اسلامی و چگونگی کیفیت همکاری با حاکم وقت در عصر غیبت مطرح گردید. به‌ویژه آنکه امام دوازدهم^ع صراحتاً در یکی از توقیعات خود به نایب چهارم از امکان تفویض برخی اختیارات امام به علما در دوران غیبت صغری، سخن گفته بودند. متن عبارت چنین است: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا إلى رواة أحاديثنا فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم» (صدوق، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۰)؛ پس در حوادث رخ داده به روایان احادیث ما رجوع کنید؛ چراکه آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم. بنابراین گفتمان ضداجتهادی با پذیرش عملی اجتهاد از سوی شیخ طوسی، مطرود شد و با رسمیت یافتن اجتهاد در فقه شیعی، توسط علامه حلی، شکل نهایی و بازگشت‌ناپذیر خود را تا دوران صفوی باز یافت. گرچه رسالت اجتهاد پاسخ‌گویی به مسائل جدید، با استفاده از منابع شریعت بود؛ لیکن نمی‌توانست حکومت غیرمعصوم را به‌عنوان یک اصل حکومتی بی‌چون و چرا بپذیرد. بنابراین دستور کار اجتهاد در این مورد بخصوص، بر محوریت نقش عقلایی و رهبری تأکید می‌کرد، به این

صورت که مردم به حاکم نیاز دارند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۳). در این مرحله بود که اندیشه سیاسی شیعه وارد مرحله تازه‌ای شد و اصل رهبری را مطرح کرد و با تکیه و تأکید بر عنوان بهترین مؤمنان یا داناترین آنان و یا کسانی که در فن استنباط احکام شریعت مهارت دارند، حکومت را در دوران غیبت امام معصوم، برای این دسته قائل شد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱-۸۰؛ حلی، ۱۳۶۲، ص ۸۸). اما با تمام این تفصیلات، هنوز هم حکومت به‌دست غیرفقها اداره می‌شد و عملاً جامعه شیعه از راه همکاری با حکومت‌های جور نتوانسته بود منفعتی برای جامعه هدف بگیرد. بدین‌سان علما و فقها با توجه به اهمیت موضوع و ارائه راهکار جهت حفظ شیعیان در حکومت‌های غیرشیعی، به مطالعه و جست‌وجوی دقیق احکام کلی و عملی براساس روایات امامان پیشین روی آوردند. در همین راستا آنان مصادیق سلطان را به دو قسم: ۱. حق و عدل که شامل حکومت امام معصوم^ع یا مجتهدان عادل بود. ۲. باطل و ظالم (متغلب و جائر) که شامل همه حاکمان (اعم از شیعه، سنی و کافر) غیر از آن دو را دربر می‌گرفت، تقسیم کردند (ر.ک: فیرحی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۵). بنابراین فقهای شیعه تعاملاتی با حکومت‌های جور، تا روی کار آمدن دولت صفویه برقرار کردند. البته در اینجا تأکید می‌شود؛ بزرگان شیعه در زمان حضور امام معصوم، حکومت را صرفاً مختص ایشان و دولت‌های مقابل آن را غاصب و ستمکار تلقی می‌کردند و علما و فقهای متقدم، چون شیخ صدوق (۳۰۶-۳۸۱ق) بر عدم دخالت و ورود بر کار سلاطین نظر داده بودند؛ مگر آنکه نوع برخورد و تعامل با مراجعین به نیکی و خوشرفتاری باشد به‌گونه‌ای که کارگشای مردم باشد (صدوق، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲). اما این دیدگاه از عصر شیخ مفید (شاگرد شیخ صدوق) به بعد تا حدودی تعدیل شد و مسیر متفاوت و جدیدی را در تعامل علما با حکام غیرمعصوم و منصوص در پیش گرفت (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۷-۹۷). شیخ طوسی در ادامه فقهای پیش از خود، عنوان سلطان مشروع و عادل را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد در صورتی که در زمان غیبت، هر حاکمی براساس شریعت امامیه عمل کند و ولایت ائمه^ع را بر حق بداند، سلطان عادل است و چنانچه اجرای دو خصیصه: ۱. به‌جای آوردن امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲. تقسیم خمس و صدقه به مستحقان واقعی براساس شریعت امامیه را اعمال کند، دیگر امر حکومت منحصر به ائمه^ع

و دربار صفوی به همکاری و مشارکت علمای شیعه سخت نیازمند شدند. بنابراین آنها به منظور جبران کمبود حضور علمای شیعی در ایران، سعی در دعوت از عالمان شیعه که بیشتر در جبل عامل، عراق و لبنان سکونت داشتند، کردند. لذا تعدادی از این علما این دعوت را اجابت کرده و به ایران مهاجرت کردند و مناصب مهمی را در دولت صفویه عهده دار شدند (مهاجر، ۱۹۸۹، ص ۹۷). شاه اسماعیل اول می‌دانست برای تداوم و گسترش تشیع نیاز به اقدامات فرهنگی است و صرفاً با زور نمی‌شود به هدف نائل شد. با توجه به آنکه برخی از تألیفات از کمبود منابع فقهی شیعه در ایران آن روز یا دست‌کم در بخشی از کشور یاد کرده‌اند، وی و سپس جانشین او شاه طهماسب، با حمایت از علمای شیعه داخل کشور و نیز دعوت از علمای جبل عامل و نیز با ایجاد مدارس که غالباً بر پایه وقف استوار بود، در حمایت از مراکز فکری شیعه کوشیدند. پس از آن نیز با وجود امکانات و شرایط مناسب، روند مهاجرت علما و فقه‌های شیعه از بلاد عثمانی به داخل مرزهای ایران تداوم یافت؛ به طوری که در هر دوره می‌توان ردپایی از مهاجران شیعی یافت که برای کسب موقعیت بهتر و زندگی در فضایی امن‌تر به ایران آمده‌اند. به‌طور قطع، بخش عمده‌ای از این شرایط مناسب در سایه وقف ایجاد شد (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۴). در نتیجه، با حضور علما و نقش آنان در دربار صفوی، زمینه فرهنگی و سیاسی مناسبی جهت رشد نهادهای تعلیم و تربیت شیعی و سازمان روحانیت در ایران شکل گرفت. تا قبل از روی کار آمدن صفویه، شیعیان در ایران اقلیتی بودند که تحت فشار شدید و گاه با اعمال تقيه هويت خود را حفظ می‌کردند. روحانیت شیعه نیز در زمان غیبت گرچه حکومت‌ها را غاصب می‌دانست؛ لیکن برای حفظ مصالح شیعیان و ترویج تعالیم این مذهب به نوعی با حکومت‌های غصبی کنار می‌آمد (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۷۲ و ۳۷۳). این عمل تأسی به اقدام امام هشتم شیعیان امام رضا (ع) (۱۴۸-۲۰۳ق)، بود که با پذیرش ولایتعهدی خلیفه غاصب، توانست شیعه را از انزوا خارج و برتری فقهی، فرهنگی و اعتقادی آن را اثبات کند و بدین‌سان جلوی انشقاق و انشعاب بیشتر در فرق شیعه را بگیرد. با ظهور دولت صفوی، علمای شیعه این فرصت را غنیمت شمرده و جهت تبیین و ترویج معارف شیعه، دعوت پادشاهان صفوی را پذیرفتند و وارد تشکیلات دولتی شدند. آنان بدین منظور مشاغل و مناصب مهمی همچون: صدارت، شیخ‌الاسلامی، قضاوت، امامت جمعه، خلیفه‌الخلفاء، نقیب‌النقبا، وزیر، مستوفی، متصدی

نیست (طوسی، بی‌تا، ص ۳۵۶-۳۵۸). این دیدگاه پس از او، به‌عنوان نظریه‌ای رایج در آثار فقهی امامیه درباره چگونگی همکاری با حکومت‌های مشروع و نامشروع در عصر غیبت، دنبال شد. به‌رحال، تلقی اندیشه سیاسی شیعه، تا قبل از روی کار آمدن صفویه، تفسیر سلطان عادل به امام معصوم است و مجتهد را نایب امام در عصر غیبت می‌داند، که از روی تقيه و مطابق با مصالح پیشین، به شرطی که به صورت ظاهری و موقت و به اعتبار نیابت از معصوم باشد، می‌تواند و یا باید با سلاطین جور همکاری کنند (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴).

در ظرف عدم امکان تحقق حاکمیت معصوم و نایب امام (فقیه جامع‌الشرایط) از سوی علمای شیعه، طرد و ستیز با حکومت منتفی شد و ایشان با نفوذ و مشارکت در هیئت حاکمه سیاست‌گذاری‌های حکومتی را به نفع مصالح توده‌های مظلوم و ستم‌دیده تشیع اعمال می‌کردند. نمونه این همکاری در زمان حکومت آل‌بویه توسط شیعه و علمایی همچون شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و سید رضی است. در دوران صفویه نیز علما با درایت و سیاست، قدرت و حکومت صفویه را در خدمت دین و ترویج مکتب تشیع و احیای احکام فقه و معارف شیعه که میراث به‌جامانده از عصر امامت علمای قرن چهارم هجری؛ تدوین اصول اربعه و حکومت شیعه آل‌بویه بود، به کار گرفتند و مکتب شیعه دوازده امامی را به‌عنوان مذهب رسمی ایران ثبت کردند و عملاً از انحراف شاهان این سلسله و بسیاری از مظالم و مفاسد آنان جلوگیری کردند.

۳. نقش علمای شیعه در ظهور و تثبیت دولت صفویه

شاه اسماعیل صفوی با بهره‌گیری از قدرت تشیع و طرح شعارهای مذهبی شیعی که بین ایرانیان مقبولیت داشت، بخش‌های مختلف جامعه را زیر نفوذ خود قرار داد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۷۹-۸۷). بنابراین سطح توقعات اجتماعی جامعه بر پایه دین در چارچوب فقه سیاسی شیعه افزایش یافت و این امر به صورت یک واقعیت اجتماعی، حضور عالمان شیعی را در حوزه اقتدار دربار صفوی تقویت کرد. در واقع، در این دوره از سویی با قدرت گرفتن حکام شیعی صفوی و به تبع آن تغییر وضعیت کمی و کیفی شیعیان، تلاش و دغدغه اصلی فقها و علمای این عصر چگونگی مشروعیت بخشیدن به سلطنت افراد غیرمعصوم، یعنی پادشاهان صفوی بود؛ و از سوی دیگر، وقتی مذهب شیعه دوازده امامی به‌عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد، پادشاهان

به حاکمیت خود، به‌عنوان نایب و کارگزار فقیه حکومت می‌کردند. بنابراین، در مراسم رسمی تاج‌گذاری، این مجتهد جامع‌الشرایط بود که قالیچه پادشاه را می‌انداخت، کمر و شمشیر شاه را می‌بست و او را بر تخت می‌نشاند و یا شاه را نایب خود قرار داده و به نام او خطبه می‌خواند (کشمیری، بی‌تا، ص ۱۳۹).

از نکات مهم دیگری که علمای شیعه در رسمی شدن مذهب تشیع در این دوره از آن بهره گرفتند، عامل تولا و تبرا است. این مهم از طریق زور امکان‌پذیر نبود؛ بلکه نیازمند روش و ابزاری بود که مردم با حضور قلب و خواست قلبی‌شان به اصول مذهب تشیع متمایل شده و تعبیر مذهب دهند و از عقاید گذشته خویش برائت جویند. با مطالعه شواهد و قرائن چنین به نظر می‌رسد که تبلیغ برای واقعه عاشورا از سوی متولیان مذهب تشیع، مهم‌ترین ابزاری بود که این مهم را به تحقق رساند. به‌طوری‌که شاه اسماعیل به ملامحمد بغدادی مشهور به فضولی (۹۶۳-۸۸۵ق) دستور داد تا کتابی در مقتل الحسین به زبان ترکی نوشته که در ماه محرم و عاظ برای ترک‌زبانان از آن استفاده کنند. لذا در ایام محرم در هر کوی و برزن مجالس عزاداری برپا، و مردم را به مجالسی وارد می‌کردند که تا حدود زیادی با آن آشنایی و تعلق خاطر داشتند (ر.ک: فروغی، ۱۳۸۲).

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش به اجمال، دلایل محکمی بر زمینه‌سازی مقدمات ظهور و تأسیس دولت شیعه صفویه در ایران، سال‌ها قبل از روی کار آمدن صفویان دارد. چنانچه پس از قیام امام حسین علیه السلام نهضت‌های شیعی در پی احقاق حق اهل بیت علیهم السلام بی‌درنگ یکی پس از دیگری بر ضد خلافت غاصب اموی و عباسی شکل گرفتند و شیعیان پس از مبارزات طولانی و پیگیر در طی قرون متمادی، موفق به ایجاد و تشکیل دولت‌های شیعی مستقل و نیمه‌مستقل در سرزمین‌های خلافت شرقی شدند. لیکن حکومت‌های شیعی تشکیل شده در محدوده سرزمین‌های ایران، به استثنای حکومت آل‌بویه در قرن چهارم، همگی در قالب منطقه‌ای و با اختیارات محدود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اداره می‌شدند. تا نوبت به دولت شیعه مذهب صفویه (۹۰۷ق) در ایران رسید. شکل‌گیری تسنن دوازده امامی و سلسله‌های صوفی اثنا عشری همچون نعمت‌اللهی، نوربخشیان، ذهبیان در قرون هشتم

موقوفات، مجتهد، قاضی‌القضات، مؤذن و حافظ را برعهده گرفتند (ساکت، ۱۳۶۵، ص ۴۸۲ و ۴۸۳). مقام‌های ویژه علمای روحانی در عصر صفویه نشان از اختیارات آنان در شئون مملکت و اداره امور دارد (ر.ک: میرزا سمیع، ۱۳۳۲، ص ۷۷۲-۷۷۴؛ سانسون، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲؛ اسپوزیتو، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۱۴؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۳؛ میراحمدی، ۱۳۶۳، ص ۶۳؛ نوذری، ۱۳۹۴، ص ۲۹۱).

علاوه بر مشارکت علما در تشکیلات دولتی، آنها در قلمرو حدیث نیز سه حرکت بزرگ را آغاز کردند: تدوین دایرةالمعارف‌های بزرگ حدیثی، همچون *بحار الانوار*، *الوافی*، و *وسائل الشیعه*. شرح‌نویسی بر کتب حدیثی، مانند *مرآة العقول* (شرح کافی)، *ملاذ الاخیار* (شرح تهذیب الاحکام) و دست آخر ترجمه کتاب‌های حدیثی به زبان فارسی. علاوه بر این اقدامات در زمینه‌های مختلف تفسیر قرآن، علم حدیث، فقه، اصول، حکمت و فلسفه کتب زیادی به رشته تحریر درآمد و در اختیار عموم مردم قرار گرفت. بنابراین دربار صفویه مجمع علما و فقهای بزرگی بود که در تبیین و نهادینه‌سازی اصول فکری تشیع، فقه، احکام، معارف و قوانین مکتب شیعه دوازده امامی و گسترش آن در قالب تألیف و ترجمه صدها کتاب ارزنده علمی و فقهی، فلسفی و کلامی نقش بسزایی داشتند. از علمای بنام شیعه در دوران صفویه می‌توان از شیخ حرعاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)، میرمحمدباقر داماد (۹۶۰-۱۰۴۰ق)، میرفندرسکی (۹۷۰-۱۰۵۰ق) و صدرالمنازهین (۹۷۹-۱۰۴۵ق) یاد کرد که در تبیین و تثبیت فقه و معارف شیعی نقش بسزایی داشتند (ر.ک: تنکابنی، ۱۳۶۴؛ مدرس تبریزی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۶؛ خوانساری، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲؛ ج ۴، ص ۱۱۲؛ فلسفی، ۱۳۴۷، ج ۳، ص ۲۸). همچنین در آغاز حکومت صفوی، محقق کرکی (۹۴۰ق)، موفق شد نظریه ولایت فقیه را در عمل بیازماید. نقش وی در تقویت مذهب شیعه، مبارزه با تصوف و مظاهر آن، تقویت بنیه فقه‌داری دولت صفوی و در نهایت بازنمایی طرح مسئله ولایت فقیه و اعتبار رأی مجتهد زنده در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است (ر.ک: محقق کرکی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۴۵ و ۴۴۶). ایشان به‌عنوان یکی از فقهای برجسته جبل عامل، نقش بسزایی در تحول و تکامل نظریه ولایت فقیه دارد. به اعتقاد وی، فقهای شیعه متفق‌اند که فقیه از سوی ائمه شیعه علیهم السلام در همه اموری که نیابت در آن دخل دارد، نایب است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۴۲). با مطالعه منابع تاریخی به نظر می‌رسد با توجه به شیعه بودن پادشاهان صفوی، آنها جهت مشروعیت بخشیدن

منابع.....

- ابن عربشاه، احمد بن محمد، ۲۰۰۷م، *عجائب المقدور فی نوائب التیمور*، تحقیق زکار سهیل، دمشق، التکوین.
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۵۱، *تاریخ الکامل*، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن بزاز اردبیلی، توکل بن اسماعیل، ۱۳۷۳، *صفوة الصفا*، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، زریاب.
- ابن جوزی، علی بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- احمدی، زهت، ۱۳۸۴، «نهاد وقف در دوره صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۴۱-۶۲.
- اسپوزیتو، جان. ال، ۱۳۸۸، *دائرة المعارف جهان نوین اسلام*، زیر نظر محمد دشتی و دیگران، تهران، بی جا.
- استوارت، دون جی، ۱۹۹۶، «یادداشت‌هایی بر مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عصر صفوی»، *مطالعات خاور نزدیک*، ش ۵۵، ص ۸۱-۱۰۳.
- امین، محسن، ۱۴۰۳ق، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- امین، سیدمحسن، ۱۴۰۳ق، *خطط جبل العامل*، بیروت، حسن امین.
- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۳۶۰، *زندگینامه شیخ طوسی*، ترجمه علیرضا میرزا محمد، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- باربارو و دیگران، ۱۳۴۹، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۵۵، *الجواهر فی معرفه الجواهر*، هند، حیدرآباد دکن.
- پارسانیان، حمید، ۱۳۹۲، *حدیث پیمانہ*، چ دوم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- ترکمنی آرز، پروین، ۱۳۸۴، «فعالیت سیاسی شیعیان اثنی و عشری در ایران از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه»، *تشیع‌شناسی*، سال سوم، ش ۱۲، ص ۱۷۵-۲۱۲.
- تمیم‌داری، احمد، ۱۳۷۲، *عرفان و ادب در عصر صفوی*، تهران، حکمت.
- تنکابنی، محمد، ۱۳۶۴، *قصص العلماء*، تهران، علمیه اسلامی.
- تهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۸ق، *النریعه الی تصانیف الشیعه*، قم، اسماعیلیان.
- جعفری، سیدمهدی و دیگران، ۱۳۷۳، *دائرة المعارف تشیع*، *تشیع سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع*، تهران، شهید سعید محبی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۷۶، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان.
- _____، ۱۳۷۸، *صفویه از ظهور تا سقوط*، تهران، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.
- _____، ۱۳۸۹، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسین، جاسم، ۱۳۶۷، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.
- حلبی، ابوالصلاح، ۱۳۶۲، *الکافی فی الفقه*، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی العامه.
- حلی، حسن بن یوسف، بی تا، *نهایة الاحکام فی معرفه الاحکام*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، اسماعیلیان.
- حورانی، آلبرت، ۱۳۶۵، «هجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران»، ترجمه مرتضی اسعدی، *کیهان فرهنگی*، ش ۳۲، ص ۱۳-۱۶.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۸۰، *تاریخ حبیب‌السیور*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، چ

و نهم مصادف بود با ظهور نهضت‌ها و دولت‌های شیعی همچون سرداران، مرعشیان مازندران، آل کیا گیلان، مشعشعیان خوزستان که در شکل‌گیری حکومت صفویان در ایران نقش حیاتی داشتند. بنابراین رواج تشیع و ایجاد آن در ایران، به مدت‌ها قبل از روی کار آمدن صفویان بازمی‌گردد. از سوی دیگر، نیز علمای شیعه در طول تاریخ تشیع از موقعیت‌های مختلف به بهترین وجه، به نفع مصالح و موازین تشیع بهره می‌جستند. این اقدامات بسته به شرایط زمانی و مکانی متفاوت بود؛ به طوری که در برخی دوره‌ها، تنها حفظ جان شیعیان اهمیت داشت که در قالب تقیه و گاهی تعامل با برخی حکمرانان عصر خویش، این مهم را عملی می‌ساختند و زمانی که زمینه برای ترویج و گسترش تشیع به دست می‌آمد، با هوشمندی به بهترین شکل از آن موقعیت بهره‌جسته و موجب بقا و گسترش تشیع می‌شدند. از زمان علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) با آغاز فعالیت گسترده فقها و زعمای برجسته شیعه، حکومت‌های وقت به تشیع فراخوانده شدند. ثمره این کوشش‌ها، حکام چوپانیان، آل جلایر، سرداران، قراقویونلوها بودند که دارای نظریات شیعی شدند؛ چنانچه راه برای تأسیس حکومت صفوی در ایران هموار شد. همچنین غلبه فقهای شیعه، ضمن تبعیت از اصول بنیادین شیعه دوازده امامی در خصوص امامت و رهبری جامعه، در شرایطی که جامعه شیعه از سویی در اقلیت است و از سوی دیگر در عصر غیبت، حکام غیرعادل فرمانروایی می‌کنند، همکاری و پذیرش مسئولیت از سوی سلاطین و تطبیق با شرایط موجود را به خاطر حفظ جان اقلیت شیعه مجاز اعلام می‌کنند. در عصر صفویه نیز سلاطین این دوره، فقهای شیعه را جانشین امام زمان ع می‌دانستند و جهت مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خود، به‌عنوان نایب و نماینده فقیه فرمانروایی می‌کردند. از آنچه برشمرده شد، با توجه به استقرار حکومت صفویه و پادشاهان شیعی آن و مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، دست‌علما جهت مشارکت و همکاری با تشکیلات اداری دولت صفوی بازتر از قبل شد. آنها با درایت به ترویج مکتب تشیع و احیای احکام و معارف شیعه که به‌جامانده از عصر امامت علمای قرن چهارم هجری؛ یعنی تدوین اصول اربعه بود، پرداختند و عملاً از انحراف شاهان این سلسله و بسیاری از مظالم و مفاسد آنان جلوگیری کردند.

- چهارم، تهران، اساطیر.
- خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین، بی تا، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، قم، دهقانی.
- روملو، حسن بیگ، ۱۳۵۷، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بابک.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۶، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ، ۱۳۸۳، *از گذشته ادبی ایران*، چ دوم، تهران، سخن.
- ساکت، محمدحسین، ۱۳۶۵، *نهاد دادرسی در اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- سانسون، ۱۳۶۴، *سفرنامه سانسون اوضاع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی*، به اهتمام تقی تفضلی، تهران، ابن سینا.
- سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، ۱۳۸۳، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۰۵ق، *رسائل الشریف المرتضی*، به کوشش احمد حسینی و مهدی رجایی، قم، دارالقرآن الکریم.
- سیوری، راجر، ۱۳۷۴، «تحلیلی از تاریخ و تاریخ‌نگاری دوران صفویه»، *ایران نامه*، ش ۵۱، ص ۲۷۷-۳۰۰.
- شوشتری، قاضی نورالله، ۱۳۷۷، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامی.
- شهیدی صالحی، عبدالحسین، ۱۳۷۴، «مدرسه کربلا از آغاز تا آل بویه»، *حوزه*، سال دوازدهم، ش ۶۷، ص ۱۴۳-۱۷۴.
- شیبی، کامل مصطفی، ۱۳۸۵، *تشیع و تصوف تا آغاز قرن دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکواتی قراگزلو، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- شیرازی، عبدی بیگ، ۱۳۶۹، *تکملة الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
- صالحی شهیدی، عبدالحسین، ۱۳۷۲، «مدرسه فلسفی قزوین در عصر صفوی»، *حوزه*، ش ۵۸، ص ۱۹۲-۱۶۹.
- صالحی، سیدعباس، ۱۳۷۴، «کندوکاوی در مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در عصر صفوی (معرفی کتاب الهجرة العالمیه، جعفر المهاجر)»، *حوزه*، ش ۶۷، ص ۱۶۹-۱۷۶.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۷، *المقنع و الهدایه*، تصحیح و تعلیق محمدبن مهدی واعظ خراسانی، طهران، مکتبه الاسلامیه.
- ، ۱۴۱۲ق، *کمال الدین و اتمام النعمه*، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعملی للمطبوعات.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، فردوس.
- طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، قم، محمدی.
- عاملی، زین‌الدین علی بن احمد، ۱۴۰۹ق، *الاقتصاد و الارشاد فی طریقه الاجتهاد*، به ضمیمه حقایق الایمان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- عبدالرزاق، علی، ۱۳۸۰، *اسلام و مبانی قدرت*، ترجمه امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.
- عنایت، حمید، ۱۳۷۸، *نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*، تصحیح و مقدمه صادق زیباکلام، چ دوم، تهران، روزنه.
- فروغی، اصغر، ۱۳۸۲، «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفویه»، *مشکوة*، ش ۸۱، ص ۷۵-۶۳.
- فرهانی منفرد، مهدی، ۱۳۷۷، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفویه*، تهران، امیرکبیر.
- ققیه‌ی، علی اصغر، ۱۳۸۴، *آل بویه*، چ چهارم، تهران، سمت.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۴۷، *زندگی شاه عباس*، تهران، دانشگاه تهران.
- فیرحی، داود، ۱۳۷۸، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران، نشر نی.
- قاضی قمی، احمدبن شرف، ۱۳۸۳، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- کرین، هانری، ۱۳۲۷، «سه گفتار در باب تاریخ مغویات ایران»، ترجمه عیسی سیهیدی، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال ششم، ش ۱، ص ۴۶-۵۱.
- کشمیری، میرزا محمدعلی، بی تا، *نجوم السماء فی تراجم العلماء*، قم، بصیرتی.
- کورانی، محمد، ۱۴۱۴ق، *الجدور التاریخیه للمقاومه الاسلامیه فی جبل عامل*، بیروت، دارالفکر.
- الگار، حامد، ۱۳۵۶، *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- مامقانی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تنقیح المقال فی علم المجال*، قم، مؤسسه آل‌البیت احیاء التراث.
- محقق کرکی، علی بن حسین، ۱۳۸۱، *حیة المحقق الکرکی و آثاره*، حاشیه *تسارح الاسلام*، تحقیق محمد الحسون، قم، احتجاج.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، بی تا، *ریحانة الادب*، تهران، خیام.
- مدرسی طباطبائی، حسین، ۱۳۵۳، *مثال‌های صدور صفوی*، قم، حکمت.
- مزاوی، میشل م، ۱۳۶۸، *پیدایش دولت صفوی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۹، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی.
- مفید محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۰ق، *المقنعه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ، ۱۴۱۳ق، *اوانل المقالات*، تحقیق ابراهیم انصاری، قم، مطبعه مهر.
- منتظر صاحب اصغر، ۱۳۴۹، *عالم آرای شاه اسماعیل*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منشی، اسکندربیک، ۱۳۶۳، *تاریخ عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران، اطلاعات.
- ، ۱۳۸۲، *عالم آرای عباسی*، تحقیق، ایرج افشار، چ سوم، تهران، امیرکبیر.
- مهاجر، جعفر، ۱۴۱۰ق، *الهجرة العالمیه الی ایران فی العصر الصفوی*، *اسبابها التاریخیه و نتائجها الثقافیه و السیاسیه*، بیروت، دار الروضه.
- ، ۱۹۸۹م، *الهجرة العالمیه الی ایران فی العصر الصفوی*، بیروت، بی تا.
- میراحمدی، مریم، ۱۳۶۳، *دین و مذهب در عصر صفوی*، تهران، امیرکبیر.
- میرخوانده محمدبن خاوند شاه، ۱۳۳۹، *روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، خیام.
- میرزاسمیع، محمدسمیع، ۱۳۳۲، *تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر.
- میرجعفری، حسین، ۱۳۷۳، «اهمیت تاریخ صفویه و ویژگی‌های آن»، *مصباح*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۴۰-۱۴۶.
- نوذری، عزت‌الله، ۱۳۹۴، *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت*، چ هشتم، تهران، خجسته.
- نیومن، اندرو جی، ۱۳۹۳، *ایران عصر صفوی، نوزایی امپراتوری ایران*، ترجمه بهزاد کریمی، تهران، افکار.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۷۲، *خلد برین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات افشار.